



# موارد حبس و مجازاتی آن در فقه اسلامی

حمید ناسخیان

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی



پهکیده:

■ در این نوشتار بر آن هستیم تا با توجه به خصوصیات موارد مختلف حبس در فقه اسلامی آن‌ها را به چهار گروه تقسیم نماییم که عبارتند از: ۱\_ حبس برای جلوگیری از فرار متهم، ۲\_ حبس های تعزیری ۳\_ حبس های مدعی، ۴\_ حبس برای فشار آوردن به متهم برای روشن شدن یا پذیرش مق. آنگاه مصلحت و ممدوده ی مؤثر واقع شدن آن بر امکام اسلامی از جمله حبس مورد مطالعه قرار می گیرد و پس از بیان این موضوع که اولاً حبس در اسلام در اغلب موارد دارای مصلحتی اجراییه است و نه مصلحت تشریحیه و ثانیاً امکامی که از مصالح اجراییه تبعیت می کنند از شرایط زمان و مکان نیز تبعیت می کنند؛ به این نتیجه فواهیم رسید که از انواع حبس های مطرح شده صرفاً حبس های مدعی است که دارای مصلحت تشریحیه است و شرایط زمان و مکان اصالتاً تأثیری بر آن نمی گذارد و سه گروه دیگر کاملاً تابع مصالح جامعه اسلامی و مقتضای زمان و مکان است. سپس با توجه به این مقدمه و با عنایت به این که در عصر حاضر زندان با شکل و شیوه جدید آن که زاینده ی اندیشه اومانستی قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی است، تنها محل اجرای حبس

می باشد و هم چنین با توجه به آثار منفی و زیانبار این نهاد (زندان) بر روی اجتماع و زندانی و عملی نشدن مصالح در نظر گرفته شده در آن جایگزین های مناسبی را برای آن پیشنهاد می نماییم از جمله: ۱\_ در حبس های که هدف آن جلوگیری از فرار متهم است کفالت، ضمانت یا وثیقه جایگزین شود؛ البته به ترتیب اهمیت جرم یا اتهام می توان میزان هر یک را معین نمود و اگر اتهام از مواردی است که دارای اهمیت بسیار زیادی است مثل «قتل عمد» دیگر گریزی از زندانی کردن متهم نیست. ۲\_ در حبس هایی که هدف آن تعزیر و مجازات متهم است از مجازات های اجتماعی مثل استفاده از مجرمین در بیمارستان ها و مراکز بارپروری، جریمه نقدی، تعلیق و دوره های مراقبت به جای حبس استفاده شود. ۳\_ در حبس هایی که هدف فشار بر متهم به خاطر پذیرش یا روشن شدن مقی است؛ اگر از مواردی مانند مجبور کردن متهم به طلاق یا سازش است در صورت استتکاف شوهر از بازگشت به زندگی مشترک طلاق قضایی پیشنهاد می شود اما اگر از حبس به دلیل اثبات اعسار مدیون یا افتقار مال است بررسی نقل و انتقالات مالی وی در گذشته و توجه به ادله مدعی اعسار می تواند راهگشا باشد. ■

شرایط زمان تا چه حد است؟ آنگاه مزایا و معایب اجتماعی پدیده حبس را بررسی نموده و در صورت جواز و لزوم، جایگزین های مناسبی را برای آن معین نماید.

### گفتار اول: انواع حبس در فقه اسلامی

در مورد حبس روایات بسیاری وجود دارد که خود مبنای اظهار نظر بسیاری از فقها در این مورد قرار گرفته است.

با اندکی مسامحه می توانیم این روایات و اظهار نظرهای مبتنی بر آن را در چهار گروه تقسیم بندی نماییم.

گروه اول روایات و اظهار نظرهای فقهی ناظر بر حبس به عنوان عاملی برای جلوگیری از فرار مجرم یا متهم است؛ مثل حبس فرد متهم به قتل به مدت شش روز تا این که ولی دم بینه ای مبتنی بر قاتل بودن او بیاورد مبنای این حبس، روایتی است که در «الکافی» به این شرح نقل گردیده است:

عن ابی عبدالله علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم کان یحبس فی تهمه الذم سته آیام فان جاء اولیاء المقتول ببینه و الا حلی سبيله<sup>(۱)</sup> از امام صادق علیه السلام روایت است که پیامبر (ص) متهم به قتل را به مدت شش روز در حبس نگاه می داشتند تا اولیای مقتول دلیل روشنی (مبنی بر قاتل بودن او) ارائه کنند و اگر تا مدت مذکور چنین نمی کردند، حضرت متهم را آزاد می نمودند.

این حدیث مبنای اظهار نظر برخی فقهای امامیه نیز قرار گرفته است: به عنوان نمونه شیخ طوسی در کتاب «النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی»<sup>(۲)</sup> و علامه حلی در «تحریر الاحکام»<sup>(۳)</sup> مطابق با مضمون این روایت اظهار نظر نموده اند.

گروه دوم روایات و اظهار نظرهای فقهی است که ناظر بر حبس به عنوان تعزیر و مجازات می باشد؛ مثل حبس عالم فاسق، طیب جاهل و دلال مفلس. روایتی که مؤید حبس مذکور است، در کتاب من «لا یحضره الفقیه» ذکر گردیده است و به شرح ذیل می باشد:

عن علی علیه السلام، قال یحب علی الامام ان یحبس الفساق من العلماء والجهال من الاطباء والمفالیس من الاکریاء.<sup>(۴)</sup>

از علی علیه السلام است که گفتند بر امام واجب است که علمای فاسق و اطبای جاهل و دلالان مفلس را حبس نمایند.

که از فقهای متقدمین یحیی ابن سعید حلی در کتاب «الجامع للشرایع»<sup>(۵)</sup> و از متأخرین آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) در «مجمع المسائل»<sup>(۶)</sup> مطابق با مضمون حدیث فوق نظر می داده اند.

گروه سوم آن دسته از روایات و اظهار نظرهایی است که دلیل حبس را فشار آوردن به فرد برای روشن شدن یا پذیرش حق می داند؛ مثل حبس شخصی که بدهکار است ولی نسبت به پرداخت بدهی خود ادعای اعسار می نماید. روایتی که دال بر این حبس می باشد در کتاب من «لا یحضره

حبس را می توان در زمره احکام اجتماعی اسلام به شمار آورد؛ چرا که به نوعی با جرم، بزه و انحرافات که از پدیده های اجتماعی است مرتبط است. حبس در دوران های مختلف اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای فقه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

احادیث و روایات بسیاری موجود است که نشان می دهد که در زمان پیامبر اکرم (ص) و در زمان خلافت امام علی (ع) هم چنین در زمان خلفا از حبس به عنوان ابزار اجرایی استفاده شده است.

اما آن چه در زمان حاضر بحث درباره ی حبس را ناگزیر می کند، ارتباط میان شرایط فعلی جوامع اسلامی به صورت عمومی و وضعیت کشورمان به طور خاص با استفاده از این ابزار اجرایی فقه اسلامی، یعنی «حبس» است.

نگاهی گذرا به تاریخ اسلام و تاریخ ائمه معصومین علیهم السلام نشان می دهد که از دیدگاه شیعه پس از خلافت علی علیه السلام احکام اجتماعی اسلام عرصه عملی و اجرایی مشروعی برای ظهور نیافته اند.

و پس از دوران تفریع (از دیدگاه شیعه اثنی عشریه) نیز جز در مواردی خاص احکام اجتماعی اسلام، از جمله آن ها حبس، احکام حکومتی و موضوعات مرتبط با آن امکان تحقق در صحنه عملی و اجرایی حکومت مشروع را پیدا نکرده است.

در این دوران (تفریع) احکام حکومتی و اجتماعی اسلام صرفاً به صورت تئوریک مورد بررسی فقهای علی الخصوص فقهای امامیه قرار گرفته است و جز در مواردی محدود، این تئوری ها در میدان عمل آزموده نشده اند.

در عصر حاضر، جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی حاکم بر آن، که مبتنی بر فقاقت و عدالت است، به عنوان حکومتی اسلامی، برای به اجرا در آوردن احکام اجتماعی اسلام، ابتدا باید معین نماید که این احکام تا چه حد به همان صورت بنیادی و دست نخورده قابل اجراست. هم چنین باید معین کند میدان آزادی عمل یک حکومت دینی برای تطبیق این احکام با

■ در عصر حاضر، جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی حاکم بر آن، که مبتنی بر فقاقت و عدالت است، به عنوان حکومتی اسلامی، برای به اجرا در آوردن احکام اجتماعی اسلام، ابتدا باید معین نماید که این احکام تا چه حد به همان صورت بنیادی و دست نخورده قابل اجراست. هم چنین باید معین کند میدان آزادی عمل یک حکومت دینی برای تطبیق این احکام با شرایط زمان تا چه حد است؟ ■



■ زندان در عصر ماضی با شکل و شمایل جدیدش و به عنوان یک نهاد اجتماعی متولد اروپای قرن هیجده و نوزده میلادی می باشد و در (روزگاری که ما در آن زندگی می کنیم اگر فواسته باشیم مبنی را مطابق با فقه اسلامی اجرا کنیم، برای این کار مملی جز زندان های رایج نداریم. ■



محتوایی نمی تواند دارای مصلحت تشریحیه ی دائمی و ذاتی باشد، می توان نتیجه گرفت که در غالب موارد حبس جزء احکام متغیر اسلامی است و تابعیت آن از شرایط زمان و مکان روشن و واضح به نظر می رسد. اکنون که به این نتیجه رسیدیم که حبس تابع مصالح و مفاسد جامعه اسلامی است و اغلب اشکال آن جزء احکام متغیر است، ذکر این نکته هم در برداشت صحیح ما از مبانی حبس مؤثر است که روایات موجود در این باب فارغ از تواتر یا واحد بودن و فارغ از مبانی ما درباره ی حجیت آن ها، نهایتاً می توانند بیانگر جواز حبس در موارد خاص خود باشند، اما هیچ گونه الزامی برای اجرای همه موارد حبس در زمان و مکان حاضر، حاصل نمی کنند و مصلحت یا عدم مصلحت، نقش اساسی در استفاده از آن به عنوان ابزار اجرایی یا نوعی مجازات دارد.

گفتار سوم: حبس، مزایا و معایب اجتماعی مترتب بر آن در عصر حاضر زندان در عصر حاضر با شکل و شمایل جدیدش و به عنوان یک نهاد اجتماعی متولد اروپای قرن هیجده و نوزده میلادی می باشد و در روزگاری که ما در آن زندگی می کنیم اگر خواسته باشیم مبنی را مطابق با فقه اسلامی اجرا کنیم، برای این کار محلی جز زندان های رایج نداریم.

اگر چه زندان پر قدمت تر از آن است که بتوان گفت با قوانین جدید متولد شده اما زندان به شکل جدید را می توان زائیده ی اومانیتیه ی حاکم بر تفکر غرب در سده هیجده و نوزده دانست.<sup>(۱۰)</sup>

پس از این توضیح لازم است مصالحی که حبس در اشکال مختلف آن دنبال می کند؛ یعنی عدم فرار متهم، تنبیه و مجازات او بصورتی که هم برای خودش و هم برای دیگران عبرت گردد و هم زمینه بازگشت افراد را به جرم از بین ببرد، در برخی موارد فشار بر متهم برای پذیرش یا مشخص نمودن حق و در آخر مصلحت تشریحیه اجرای حدود الهی را یادآور شویم و بررسی نماییم که آیا اولاً این مصالح در عصر حاضر و با زندان های رایج محقق می شود یا خیر و ثانیاً این که آیا اجرای حبس مصالح دیگر جامعه اسلامی را با چالش مواجه می کند یا خیر.

برای پاسخ پرسش های بالا لازم است ابتدا پیامدهای منفی و سپس پیامدهای مثبت زندان را مورد بررسی قرار دهیم.

الفقیه» به این شرح آورده شده است:  
و قضی علی علیه السلام فی الدین انه یحبس صاحبه فاذا تبین افلاسه والحاجة فیتخلی سبیلہ حتی یتفید مالاً.<sup>(۷)</sup>  
و علی علیه السلام در مورد دین مدیون را حبس می نمودند، اگر حاجت و افلاس او معلوم می شد پس آزاد می گردید تا در طلب مال بر آید.  
این حدیث با همین مضمون در کتاب «تهذیب الاحکام» نیز آورده شده است.

شهید اول<sup>(۸)</sup> و شهید ثانی<sup>(۹)</sup> به مقتضای این حدیث رأی داده اند اما میان شخصی که مدعی اعسار است و اصل دعوا علیه او مالی است «مثلاً» بواسطه معامله ای بدهکار گردیده» و شخصی که همین ادعا را دارد ولی اصل دعوا علیه او مالی نیست «مثلاً بواسطه مهریه یا دیه بدهکار گردیده» تفاوت قائل شده اند و حبس را صرفاً در مورد اول جایز دانسته اند.

گروه چهارم روایات و اظهار نظرهای فقهی است که حبس را در امتداد حدود مطرح می کند؛ مانند حبس سارق پس از دو بار اجرای حد قطع؛ حدیثی که به این نوع حبس اشاره دارد، در «الکافی» به این شرح است:

عن زراره عن ابی جعفر علیه السلام قال: ... و سألتہ ان هو سرق بعدالقطع الید والرّجل؟ فقال استودعه السجن ابدأ و اغنی الناس عن شره.<sup>(۱۰)</sup>  
زراره از ابی جعفر علیه السلام سؤال می کند که اگر سارق پس از قطع دست و پا باز هم مرتکب سرقت شد با او چه کنیم؟ حضرت فرمودند او را برای همیشه زندانی کنید تا مردم از شر او در امان بمانند.

دو حدیث دیگر نیز با همین مضمون در «الکافی»<sup>(۱۱)</sup> و «من لا یحضره الفقیه»<sup>(۱۲)</sup> ذکر گردیده است و شیخ طوسی در «النهایه»<sup>(۱۳)</sup> محقق حلی در «شرایع الاسلام»<sup>(۱۴)</sup> و علامه حلی در «تحریر الاحکام»<sup>(۱۵)</sup> شهید اول و ثانی در «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»<sup>(۱۶)</sup> و امام خمینی در «تحریر الوسیله»<sup>(۱۷)</sup> و محقق خوئی در مبانی «تکملة المنهاج»<sup>(۱۸)</sup> مطابق با محتوای این احادیث نظر داده اند.

گفتار دوم: پیروی حبس به عنوان یکی از ابزارهای اجرای فقه اسلامی از مصلحت یا عدم مصلحت در جامعه اسلامی

پیش از آن که به بررسی ارتباط میان انواع چهارگانه حبس با مصالح و مفاسد جامعه اسلامی بپردازیم یادآوری این نکته ضروری به نظر می رسد که یکی از اقسام دسته بندی احکام اسلامی، تقسیم آن ها به احکام ثابت و متغیر است؛ یعنی برخی احکام اسلام به واسطه مصلحت یا مفسده ی دائمی موضوع احکام پنجگانه می شوند و برخی دیگر تابع موقعیت زمان و مکان می باشند و مصلحت یا مفسده آن ها دائمی نیست. در احکام دسته دوم وجوب و حرمت، ذاتی و فطری نیست و به صورت لا بشرط اخذ نشده است؛ به تعبیر دیگر احکام متغیر دارای مصلحت اجراییه و احکام ثابت دارای مصلحت تشریحیه می باشد.<sup>(۱۹)</sup>

با توجه به این مقدمه و با توجه به این که در اغلب موارد حبس از لحاظ

## ۱\_ پیامدهای منفی زندان؛

زندان برای بسیاری از مجرمین نقطه آغازین انحراف آنان است نه پایان مجرمیت؛ چرا که اگر زندان می توانست باعث ندامت مجرم از بزهکاری شود اغلب مجرمین نباید بیش از یک بار به زندان می رفتند. این مسأله، صلاحیت کیفر زندان را به عنوان عامل بازدارنده جرم با چالش جدی مواجه می سازد.

چرا

که زندان جامعه ای سازمان یافته از مجرمین را در کنار هم قرار می دهد تا درد مشترک آن ها (مجرمیت) خود عاملی برای پیوند و تعامل ایشان با هم و به تدریج عاملی برای ایجاد یک فرهنگ مشترک بزهکاری در میان مجرمین شود.

میشل فوکوز صاحب نظران جامعه شناسی در کتاب خود با عنوان تولد زندان می نویسد: «هم اکنون در میان ما جامعه ای سازمان یافته از مجرمین وجود دارد. آنان ملتی کوچک را در بطن ملتی بزرگ شکل می دهند. تقریباً تمامی این انسان ها در زندان با هم آشنا شده اند یا در آن جا یکدیگر را ملاقات می کنند. این همان جامعه ای است که وظیفه داریم اعضای آن را متوقف کنیم.»<sup>(۳۱)</sup>

«زندانی تا زمانی که در زندان است

در آرزوی آزادی روزگار می گذراند. با فرض این که زندان به رسالت خود یعنی تغییر افراد درست عمل کرده باشد، فرد زندانی در بدو آزادی به جستجوی زندگی شرافتمندانه ای که شایسته اوست برمی آید.

با این فرض و با فرض این که خانواده ی زندانی با اعتماد و پذیرش با او روبرو شوند آیا اجتماع هم، چنین دیدگاهی در مورد او دارد؟ مسلماً پاسخ منفی است؛ چرا که قطعاً جامعه در مورد فردی که سوء سابقه دارد بسیار با احتیاط و وسواس عمل می شود و این خود باعث ایجاد اشکال در شغل یابی، ایجاد ارتباطات اجتماعی، تحصیل و مواردی از این دست می شود.



زندان با حذف آزادی مجرم در واقع از بازدهی اقتصادی او نیز جلوگیری می کند و این خود در مرحله اول زمینه ایجاد اختلال در وضعیت معیشتی و درآمد خانوار تحت پوشش زندانی و در مراحل بعدی باعث از هم پاشیدگی خانواده ی او می شود. همان حکمی که رئیس خانواده را به زندان می اندازد، هر روز مادر را به فقر و تنگدستی، کودکان را به بی کسی و بی سرپرستی و کل خانوار را به آوارگی و تکدی می کشاند و چنین است که جرم ریشه می دواند.<sup>(۳۲)</sup>

یکی

دیگر از مضرات زندان این است که فرد به واسطه ماندن در زندان و جدایی نسبی از زندگی جمعی دچار نوعی حالات روانی نامطلوب می شود.

تحقیقات نشان می دهد نگرانی از وضعیت خانواده و فشار ناشی از تحمل کیفر و نگاه خاص به آینده ی نامعلوم پس از زندان خود باعث تشدید حالات روانی نامطلوب و آشفتگی ذهنی زندانی می شود.<sup>(۳۳)</sup>

نکات منفی که عنوان شد برخی از مضرات زندان در عصر حاضر بود. برخی دیگر از مضرات آن عبارتند از، از کار افتادگی بخش عمده ای از نیروی کار اجتماع، تحمیل مخارج گزاف بر دولت به خاطر اداره زندان ها و زندانیان، اشغال فضاهای شهری که می تواند موارد استفاده ی دیگری هم چون کتابخانه، مدرسه و فضای سبز داشته باشد.

■ زندان با حذف آزادی مجرم در واقع از بازدهی اقتصادی او نیز جلوگیری می کند و این خود در مرحله اول زمینه ایجاد اختلال در وضعیت معیشتی و درآمد خانوار تحت پوشش زندانی و در مراحل بعدی باعث از هم پاشیدگی خانواده ی او می شود. همان حکمی که رئیس خانواده را به زندان می اندازد، هر روز مادر را به فقر و تنگدستی، کودکان را به بی کسی و بی سرپرستی و کل خانوار را به آوارگی و تکدی می کشاند و چنین است که جرم ریشه می دواند ■





■ با توجه به پیامدهای مثبت و منفی زندان و مقایسه این دو با هم، آن چه درست به نظر می رسد این است که اگرچه حبس به عنوان مجازات یا ابزار اجرایی کیفری رایج در جامعه، امروز وجود دارد اما نمی توان پیامدهای منفی مترتب بر آن را نادیده انگاشت. ■

مصادیق ناگزیر می کند. در این گونه موارد چگونه باید عمل کرد؟ مثلاً حبس هایی که در امتداد حدود مطرح می شود ضرورت و مصلحت تشریحیه دارد یا مثلاً در جایی که فردی اقدام به قتل نموده و راهی جز حبس او تا پایان دادرسی و اجرای حکم وجود ندارد؛ در این مورد نیز ضرورت حبس کاملاً مشخص است. این موارد چگونه با نتیجه ی به دست آمده (یعنی کاهش موارد حبس) قابل جمع است؟

پاسخ ما این است که آن چه به عنوان پیامدهای منفی حبس گفته شد دلیل واضح و روشنی برای کاستن از موارد حبس است اما هیچگاه به معنای نفی کامل زندان نیست. و شاید این مفهوم پاسخ مناسبی برای این تعجب میشل فوکو باشد که می گوید: «باید از این بابت تعجب کنیم که از صد و پنجاه سال پیش بدین سو، اعلام شکست زندان همواره با حفظ زندان بوده است.»<sup>(۲۴)</sup>

لذا جهت مشخص نمودن و کاربردی نمودن این نتیجه گیری با توجه به طبقه بندی مذکور در این نوشتار و اهداف و مصالح مترتب بر حبس سعی می نمایم تا با توجه به عرف موجود در قوانین موضوعه در حد امکان جایگزین های مناسبی برای هر یک از انواع چهارگانه حبس پیشنهاد نمایم.

#### پیشنهادها:

الف) پیشنهاد می شود در حبس هایی که هدف آن ها جلوگیری از فرار متهم است، حتی المقدور از جایگزین هایی مانند کفالت، ضمانت یا وثیقه استفاده شود. مگر در جایی که به دلیل پراهمیت بودن مسأله و نیاز به تحقیقات بیشتر جز حبس راه دیگری وجود نداشته باشد.

ب) پیشنهاد می شود در حبس های تعزیری حتی المقدور از مجازات های اجتماعی مثل استفاده از مجرمین در بیمارستان ها و مراکز بازپروری، جریمه های نقدی، تعلیق، دوره های مراقبت و... استفاده شود.

ج) در حبس هایی که هدف فشار بر متهم به خاطر پذیرش یا روشن شدن حق است اگر از مواردی باشد که دعوا غیر مالی است؛ مثلاً برای مجبور کردن زوج به طلاق یا سازش است. پیشنهاد می شود در صورت استنکاف شوهر از بازگشت به زندگی مشترک طلاق قضایی اجرا شود. اما اگر حبس از مواردی چون اثبات اعسار مدیون یا آشکارسازی مال مخفی است، پیشنهاد می شود به جای زندان، نقل و انتقالات مالی مدیون در ماه های اخیر مورد بررسی قرار گرفته در صورت اثبات وجود مال مخفی و یا عدم اعسار، طلب

این معضلات می تواند مقبولیت زندان را به عنوان یک مجازاتی متمدانه با چالش مواجه سازد.

## ۲\_ پیامدهای مثبت زندان

نباید از این نکته نیز غفلت کرد که زندان در برخی موارد کارکردهای مثبت انکارناپذیری دارد:

**الف) حبس رایج ترین و پذیرفته شده ترین مجازات در دنیای کنونی است.** به طوری که در صد و یازده کشور جهان به جای مجازات اعدام از حبس ابد استفاده می کنند.<sup>(۲۴)</sup>

**ب) زندان عاملی برای امنیت جامعه از تعدی انسان های شرور است؛** یعنی زندان با نگهداری و حبس انسان های شرور میان ایشان و اجتماع عادی شهروندی سد نسبتاً غیرقابل نفوذی ایجاد می کند.

**ج) در حالی که حبس ابهت و بازدارندگی خود را برای تعداد زیادی از مجرمین از دست داده است اما هنوز برای بازدارندگی بدنه ی سالم اجتماع که از ارتکاب بسیاری از جرایم به خاطر ترس از زندانی شدن و محرومیت از آزادی، امتناع می ورزند، وسیله ای مؤثر و کارآمد است.**

**د) زندان تنها راه تأمین یا مجازات در برخی جرایم بزرگ است؛** برای مثال در ارتکاب قتل عمد پیش از رضایت اولیای دم نمی توان از وثیقه ضامن یا کفیل استفاده کرد بلکه ماهیت پیشگیرانه از فرار متهم، این شکل از حبس را گریزناپذیر می نماید یا در مواردی که جرم بزرگی اتفاق می افتد و فقط زندان جوابگوی مجازات آن جرم است، مثل حبس شخصی که در قتل آمریت دارد.<sup>(۲۵)</sup>

**هـ) مواردی از حبس وجود دارد که به علت وجود مصالح تشریحیه جز به وسیله احکام حکومتی آن هم در مواردی خاص، نمی توان در آن تغییری به وجود آورد و این احکام جزء احکام ثابت و لا یتغیر هستند؛** مثل حبس هایی که به عنوان حد معرفی می شوند که نمونه آن حبس سارق پس از دو بار اجرای حد قطع است.

#### جمع بندی و نتیجه گیری:

با توجه به پیامدهای مثبت و منفی زندان و مقایسه این دو با هم، آن چه درست به نظر می رسد این است که اگرچه حبس به عنوان مجازات یا ابزار اجرایی کیفری رایج در جامعه، امروز وجود دارد اما نمی توان پیامدهای منفی مترتب بر آن را نادیده انگاشت.

این پیامدهای منفی بسیار قابل توجه هستند تا آن جا که در اغلب موارد، نه تنها تحقق اهداف مورد نظر در حبس را با چالشی جدی مواجه می کنند بلکه مشکلات و معضلاتی که برای خود زندانی و برای جامعه به وجود می آورند، لزوم تجدید نظر در حبس و کاهش مصادیق آن را امری پراهمیت و گریزناپذیر می نماید.

از طرف دیگر سؤالی که ممکن است در این جا مطرح شود این است که ضرورت هایی در برخی از انواع حبس وجود دارد که استفاده از آن را در برخی

- ۲۰- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکوسر خوش و افشین جهاننیده، نشر نی، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۴، ص ۲۸۶.
- ۲۱- همان منبع، ص ۲۹۳.
- ۲۲- همان منبع، ص ۲۳۵.
- ۲۳- دهقانی، مسلم، حبس عامل تنبیه یا تجزی (به نقل از سایت اینترنتی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی به تاریخ ۸۶/۱/۱۳)، ص ۷.
- ۲۴- سخنرانی دکتر نجفی ابرنآبادی در دانشگاه اصفهان در تاریخ ۸۵/۹/۲ (به نقل از سایت اینترنتی حقوق برای همه [www.hoqouq.com](http://www.hoqouq.com) به تاریخ ۸۶/۱/۱۳).

- ۲۵- شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۴۷۲.
- ۲۶- فوکو، میشل، تنبیه و مراقبت (تولد زندان) ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، ص ۳۳۱.

منابع فارسی:

- ۱- امین زاده، محمدرضا، نگاه دین به تحولات ناشی از شرایط زمانی و مکانی (از مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام (ره) و کتاب اجتهاد زمان و مکان، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۱، زمستان ۱۳۸۴.
- ۲- دهقانی، مسلم، حبس عامل تنبیه یا تجزی (به نقل از سایت اینترنتی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی ۸۶/۱/۱۳).
- ۳- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه (تولد زندان) ترجمه نیکوسر خوش و افشین جهاننیده، نشر نی، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۴.
- ۴- نجفی ابرنآبادی، دکتر علی حسین، سخنرانی در دانشگاه اصفهان به تاریخ ۸۵/۹/۲ (به نقل از سایت اینترنتی حقوق برای همه [www.hoqouq.com](http://www.hoqouq.com)، ۸۶/۱/۱۳).

منابع عربی:

- ۱- حلی، یحیی ابن سعید، الجامع للشرایع، مؤسسه انتشاراتی سیدالشهداء، قم.
- ۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بهار ۱۳۷۷.
- ۳- خونی، سیدابوالقاسم، مبانی تکلمة المنهاج، مطبعة الآداب، النجف الاشرف.
- ۴- شیخ صدوق، محمدابن علی ابن الحسین، من لا یحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵- شیخ طوسی، ابوجعفر، محمدبن الحسن بن علی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، نشر قدس، محمدی، قم.
- ۶- شهید اول، محمدابن جمال الدین مکی العاملی، القواعد والفوائد، مکتبة المفید، قم.
- ۷- شهید ثانی، زین الدین جعبی العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الثانیة.
- ۸- علامه حلی، حسن ابن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام، مؤسسه آل البیت قم.
- ۹- کلینی، محمد ابن یعقوب الرازی، الکافی، مطبعة الاسلامیه طهران.
- ۱۰- آیه الله العظمی گلپایگانی، مجمع المسائل، نشر دارالقرآن الکریم، قم.
- ۱۱- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۳ هـ.ق.

دائن از محل اموال مکشوفه یا معرفی شده تأدیه گردد. (د) در مواردی که حبس در امتداد حدود می باشد و دارای مصلحت تشریحیه است؛ به دلیل این که تصمیم گیری در این گونه موارد بر عهده حاکم جامعه اسلامی می باشد، نمی توان جایگزین خاصی را پیشنهاد نمود اما ذکر این نکته ضروری است که در این گونه موارد احکام حکومتی در موارد خاص می تواند برای حبس هایی با این وصف جایگزین مناسب معین نماید.

منابع:

- ۱- کلینی، محمدابن یعقوب الرازی، الکافی، مطبعة الاسلامیه، طهران، ج ۷، ص ۳۷۰.
- ۲- شیخ طوسی، ابوجعفر محمدابن الحسن بن علی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، نشر قدس، محمدی، قم المقدسه، ص ۷۷۴.
- ۳- علامه حلی، حسن ابن یوسف ابن مطهر، تحریر الاحکام، مؤسسه آل البیت قم، ج ۲، ص ۲۵۴.
- ۴- شیخ صدوق، محمدابن علی ابن الحسین، من لا یحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، طهران، حدیث ۶، ج ۳، ص ۲۰.
- ۵- یحیی ابن سعید حلی، الجامع للشرایع، مؤسسه سیدالشهداء، قم المقدسه، ص ۵۶۸.
- ۶- آیه الله العظمی گلپایگانی، مجمع المسائل، نشر دارالقرآن الکریم، قم المقدسه، مسأله ۸۰، ج ۲، ص ۲۰۹.
- ۷- شیخ طوسی، من لا یحضره الفقیه، حدیث ۱، ج ۳، ص ۱۹.
- ۸- شهید اول، محمدابن جمال الدین مکی العاملی، القواعد والفوائد، مکتبة المفید، قم المقدسه، ج ۲، ص ۱۹۲.
- ۹- شهید ثانی، زین الدین الجعبی العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جامعه النجف الدینیة، ج ۴، ص ۳۹.
- ۱۰- کلینی، الکافی، حدیث ۳، ج ۷، ص ۲۲۲.
- ۱۱- کلینی، الکافی جلد ۷ صفحه ۲۲۲ حدیث ۴، ج ۷، ص ۲۲۲.
- ۱۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، حدیث ۱۸، ج ۴، ص ۴۶.
- ۱۳- شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۷۱۷.
- ۱۴- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن شرایع الاسلام، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الثانیة، سال ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۴، ص ۱۷۶.
- ۱۵- علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۱.
- ۱۶- شهید اول و ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۲۸۵.
- ۱۷- امام خمینی، تحریر الوسیله، انتشارات جامعه مدرسین، حوزه علمیه، قم المقدسه، بهار ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۴۰.
- ۱۸- خونی، سیدابوالقاسم، مبانی تکلمة المنهاج، مطبعة الآداب، النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۰۵.
- ۱۹- امین زاده، محمدرضا، نگاه دین به تحولات ناشی از شرایط زمانی و مکانی (از مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام (ره))، ج ۱، اجتهاد و زمان و مکان، مؤسسه چاپ و نشر عروج، زمستان ۱۳۷۴، ج ۱.